خرافات می تــوان گفت: «خرافات اعم از ســخن و باور و رفتاری اســت که ویژگی اصلی آن موهوم

وُدنُ أَنُ اسْـت، يعنى ميْ تُوان گفــت: خَرافَات، پندار موهوم، اســت که تبديل به گفتار يا کردار

بر مـ شُـود، اما به هر حال نه تنها ، بشه در على و

یر سی سوده به بر سوده مهریت در خیال و عقل و شرع نداشته بلکه حتی پایهای در خیال و تخیل نیز ندارد. پس باید گفت: «خرافات مبتنی

بر وهم است که خوداز نظر روانی، ریشه در جهل و ترس دارد.، پس هر اعتقاد و تفکری هر چند باطل

انمی توان خرافه تلقی کرد،مگر زمانی که وهمی

. وده باشد. پس باید نسبت به خرافه و حدود و ثغور آن معرفتی پیدا کرد تا با آگاهی کامل در خصوص

ت رکسی کرد. آن اظهارنظر کرد. بنابر تعریف یاد شــده خیلی از رســوم و آیینهای عبادی اقوام و ملتها هر چند

كُه از نَظْرُ ما مُورد قبول نباشند تأزماني كه به حد وهم نرسيده ياباعلم وعقل وشرع مخالفت نكنند،

خرافات تلقى نمى شــوند. اما اين فقدان شناخت

کافی باعث می شــود که عــدهای، مانند برخی از روشــنفکران، همه مظاهر دینــی را خرافه تلقی

رود سامی در ده اصلی مذهب و اعتقادات مذهبی را نشسانه روند یا همانند گروهسی دیگر هر مطلب وهمی و پوچ و بی وزنی را به صرف استناد به دین، مطلبی

ىتىنى بىدرى. باتوجەبــە مطالب بيان شــدە مى تــوان گفت:

اخرافات و موهوم گرایی ریشه در عواملی چند دارد؛ از مهم تریس عوامل گرایش به خرافات را

ی رای به اقوام گذشته در پاسخ به انبیا مطرح کرده و علت رویگردانی از حق و خرافه پرستی را

ت. هنوز هم در برخسی از مناطق

میشوند،افراد و اقوامی که با پای فشاری بسر بعضی

تهای مطرود گذشتگان

خــود، در ایـــن مســیر گام

بر می دارند. عامل دیگر

. ر ی ر رانیــز میتــوان در ضعــف قــوای فکــری و اندیشــه

قسوای فلسری و اندیست خرافه گرایان دانست، یعنی چون معرفتشناسی اکثر آنان مبتنی بر استدلال و عقلاتیت نیست و عوامل

وجود و حقیقت برای انها

این بدبختی که پی

ت، پندارهای خود را توجیه می کنند. از

دیگر عوامل خرافه پرستی می توان به خودخواهی ک افراد اشاره کرد؛ استاد مطهری دراین باره چنین

ایش فکر نحوست در اشــیاء واعداد (و دیگر ر حد رسیده و سعده روانیور خرافات) شده است: یکی این که بشر به طور کامل خودخواه است؛ یعنی نمی خواهد مسأله شکستهای خودر امتوجه خودش کند. همیشه

دنبال این است که یک چیز دیگری پیدا کند و بگویداین بدی، این شکست، این بدبختی که پیدا

مداین من نبودم؛ این فکر من نبود بشر برای

این که از تقبل مسئولیتها فرار کند، آمده است برای اشیاء، چهارشنبه، ۱۳ و نحوست قایل شده

ست، (مجموعه آشار، ج ۲۵، ص ۴۰۳ و ۴۰۴) ننبلی نیز از جمله اسباب گرایش به موهوم گرایی

و خرافه پرستی است. انسان وقتی بخواهد علت قضایارا بفهمد، بایداز طریق علمی وعقلی کاوش، تفکر، جست وجوو تفحص کند تاعلت واقعی اشیاء

را درک کند، اُما با خیال، همه قضایا را می توان به اِحتَى حل كرد درمان گرايش به خرافات و موهوم

گرایی را بایددر عوامل وعلل این مسأله جست وجو کرد. اگر فرهنگ حسازی مناسب در بستر جامعه صورت پذیرفته و علت های تمایل به خرافه پرستی

به خوبی تبییت و واکاوی شـود، می تـوان در راسـتای درمـان خرافه گرایـی گام برداشـت.

سُرمایه گذاری روی نسُـل جُوّان و دانش آموزان از طریق برنامه ریزی های مدون باید در اولویت قرار

علمى بايدُ كودكان رابًا وظايف خُود آشُنا ساخُ

و روحیه تعقل و اندیشه را در آنان نهادینه سازند

گیرد. مدارس بهعنوان نخس

خُانُوادەھـابا توجە بە اينُ كە ،

می گوید: ۱دو خاصیتی که در بشــر هـ

ابران در قن حاه

مے تصوان تقلید کور کورانہ از دیگران دانہ

ر ر ـــرویعرسی از حق و خرافه پرســ در تبعیت از پدران خود خلاصه می کردند، ه این مطلب اســت. هنوز هم د. دخــــان

## چرخه اقتصادی مبهم خرافات

## اقتصاد میلیاردی خرافات، ریشه در تصدیق خرافهگرایی دارد

طرح نو فروغ فكرى بالاو پايين نداردواز م حرے جو حرکی ۔ حرکی ا جہ و پییں ۔۔۔ر و جو ر هر قشری ســراغش میروند. تنها کافی است یک بار حرف دل مشـــتری را بزنند تا دیگر بشــودخانه امید و راه اول و آخرشان. با بهانه و بی بهانه راهشان کج میشود به سوی گرفتن انواع و اقسام فال، گشودن م و بازگویی آینده. این که چنین رویهای از کی و کجا آغاز شده است، معلوم نیست و شاید زمان . فاصی را هم نتوان برایش متصور شــد،اما بســیاری ز اعتقادات خرافی ریشه در گذشــتههای دور دارند . گذشته ها و ريشه هايي که حالا شده اند بند به ۔ ... دست و پای مشـــتریان هوس باز که برخی شان حتی برای کوچکترین کارهانیز، خرافات رهایشان نمی کند وَ بَه نَاچُارُ سِرَاغَ فَالكَّيرِها و رماُلان مُىروند و پولهاى هنگفتى را نيز در اين راه هزينــه مى كنند. البته اين مورد بنا به مورد وثوق بودن، تبحــر و به صورت ویژه موقعیت مکانی فالگیر، متفاوت است ومی توان قیمتی بین ۵هزار تومــان تا رقمهای میلیونی را برای گرفتن انواع فال در نظـر گرفت. با وجود پــول هنگفتي كه بعضا در این زمینه رد و بدل می شُــود اما آمار دقیقی درباره تعداد افرادی که به این شـغل مشغولند و نوع ر ستریان و اقتصاد آن در دس مشُــتریان و اقتصاد آن در دست نیست. اما آنچه واضح است در موارد متعددی که رمالان و فالگیران توسط نیروی انتظامی دستگیر شدهاند، با بررسی حسابها و پول های نقدی که در دست داشتهاند، نعجب همگاُن را برانگیخته آسد. هُر چند آمار دقیقی از تبادل اقتصادی این شخل وجود نسدار داما از آنچه ز اخیا، حسیته وگریخته در دید قرار داده اس . عدس و گمان می توان گفت اقتصاد خُرافی، اقتصادی چندمیلیار دتومانی است.

\_ ید پژویان، اقتصاددان و اســتاد دانشــگاه، درباره مشاعْلُی چون رمالی و فالگیسری و کارهایی ز این دست و چرخه اقتصادی آنها، به «شهروند» ر پر می گوید: ااستفاده از خرافات برای کسب در آمد و روی آوردن به کارهایی چون رمالی و فالگیری، بدون شک از جمله مشاغل کاذب است. این مشاغل نیز همان گونه که از نامشان پیداست، هیچ گونه ترکید کی در بر ندارند و از ایسن رو در تولید ناخالص داخلی نیز نمی توانندا اثر گذار باشند و صرفا تاثیری که دارند، تأثیر توزیع درآمداست.»

وی در ادامه می افزاید: «همین امر نیز عاملی شده ست تا نتوانیم از پول و چرخه مالی که از کنار چنین مشــاغلی به وجود می آید، اطلاع بابیم. از سوی دیگر هیــچ یـک از نهادهای مالــی ذیربط نیز بــه دلیل در " عن البودن و وجود مشكلات بسيار و هزينه بالا، به سمت كسب اطلاعات از وضع افراد شاغل در اين زمينه و همچنين ميزان در آمدشان نمي روندو اين اقتصادیک کشور برجا گذارند و در حقیقت پول هایی که در این زمینه هزینه می شود، اما براساس آخرین آماری که وزارت بهداشت اعلام کرده است، ۱۰ درصد ت كشُور طى يكسال نزدافُراد غيرمتخص بحسیب سور سی یحسال در افراد غیر متحصو بی صلاحیت مانند دعانویس، رمال و.. و فتهاند آمارها نشان می دهد در تحقیقی که توسط دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی تهران شــمال در مورد سطح گرایش دختران دانشجو به خرافات انجام شده، مشخ است ۶۸درصداز دختران در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۶سال دست کم یک بار به فالگیر مراجعه کردهاند، ۵۰درصد حرفهای فالگیران را تصدیق کرده و با اعتقاد به سراغ

. پژویان نیز گرایـش به خرافــات و مقولاتی چون پروپون غیر طرایسی به طراحت و معودی چون فالگیری را براساس برخی تحقیقات در زنان بیش از مردان میداند و از سویی گرایش به چنین مواردی را در کشورهای مختلف جهان متفاوت ارزیابی کرده و می گوید: «در برخی از کشورها مانند آمریکا یا انگلستان، توقع بر این است که گرایش به چنین مواردی کم باشد، اما حقیقت این است که

أنها فتهاند



ســیاری از افراد در این کشورها به ســمت این امر گرایش دارند و شاید کشوری مانند سوییس در این زمینه آمار کمتری داشته باشد و مردم کمتر تی رہ ۔ به ســمت خرافات و ... گرایش داشــته باشند که در پن زمینه هم عوامل گوناگــون، از وضع اقتصادی تا راستا به چشــم میخورد که افرادی که هرگز از آنها توقع نمی رود به سمت انجام چنین کارهایی حرکت

روی آوردن به انجام کارهایی چون رمالی و فالگیری و اســـتفاده از خرافات، در حالی در جامعه افزایش یافته بســياری از افراد به گرفتن فال و ... در منزلشان روی ردهاند که مطابق قانون مصوبســال ۱۳۲۴ (مش)، هرگونه اقدام بــه رمالی، جن گیــری و فالگیری جرم ت ۔ د۱۸۸ماده۳آییننامه محُسُوب می شودوطبق بند ۱۸ مادهٔ ۱۳ أیین نامهُ همینُ قانون، فرد یا افرادی که از طریق رمالی و پیشگویی در رب ریار کی در کردی رکید منزل یامغازه اقدام به فریب مردم کنندواین کار راپیشه خود قرار دهند مرتکب جرم شده و قانون برای این افراد یکُ تا اُاُسال حبس و جریمه نقدی را پیش بینی کرده ، وبراساس قانون مجازات فعلی کشور برای برخورد بارمال، جن گیر و...مجازاتی برابر با کلاهبر داری در نظر گرفته شده است. هر چند برخی کارشناسان حقوقی بر این باور هستند که عزم جدی برای برخورد با این

ے نکتہ حالب توجہ اس است کہ برخی از موسسات



فبيل جرمها وجودندارد چراكه اگر چنين بودباح ستردهافراددراین زمینه مواجه نبودیم برخی دیگراما \* محن ۴ اشات ریشه چنین گرایشاتی رابسیار عمیق تر از آن می دانند که موارد باز دارنده ای از این دست بتواند در مقابل آنها ریسه پسین ر... کهمواردبازدارندهای از این دس بایستدو بعضااز خطرات بسیاری که می تواند برای مردم ... رز. رز ... در گرای از رود در واقع و جامعه داشته باشد، جلوگیری به عمل آور دو درواقع ریشههای اجتماعی و اقتصادی بسیار عمیقی را برای آن

ر این میان بسیاری از کسب و کارها و در حقیقت شرکتها و موسسات اقتصادی در سُراسُر جُهان نیز کار خود را با اســتفاده از خرافــات و جادوهای موجود پیش مُی بِرند و برخی از صاحبان این موسساد نجام معاملات خود به خرافات روی می آورند. م در این خصوص مینویسد: «بسیاری از افراد حرفهای در محیط کار، به صورت عمیقی خرافی هستند و معتقدند بدین وسیله می توانند خوش شانسی و سود بیشتری کسب کنند. شاید تصورها بر این باشد که کار حرفهای جهان و در بسیاری از روابط و مناسبات کاری، خرافات



خاص، خرافات مختلفی را برای انجام فعالیتهایشان در دستور کار قرار می دهند و اصلاعجیب نیست زمانی که در راهروی یک شرکت بزرگ راه می روید، با ر می کردر کردن از کردند. گیاه خوش شانسی «پول» – نوعی گیاه که عامل خوش شانسی برای کسب پول است –مواجه شوید!؛ میرور در ادامهمىنۇيسد:«خرافاتموجوددرمحل كار، گونەھاي

ادامهمی ویسد: احرافات موجودگر محل دار، دودهای مختلفی دارد. برای مثال آراتی سینگ، مدیر بر نده کمپانی FMCG در محل کارش انواع واقسام مواردی که می تواند برای کمپانی اش خوش شانسی بیاورد را، قراردادهایخرافی گذاشته است که از آن جمله می توان به یک گیاه رقص بامبو، یک رشته از پرچمهای بودایی و یک م مقدس که پدر ومادرش به او هدیه دادهاند، اشاره کرد که بهوجود آنهاً در مُحلُ كَارشُ اعتقاد خاصي دارد. وي در ادامه درخصوص چرایی نفوذ چنین مواردی به بسیاری ز کسبو کارهای حرفهای در جهان می گوید: «انسانها ر می را را کی از بیان کی از این مورت ابه همراه دارند و از این رو محیطهای کاری هم از این مورد مستثنی دُو در حقیقت تمامی انسانها خُواهان کسب ز ســوی دیگر این خرافات ممکن اســت به ص

اتفاقی یا تصادفی شروع شوند و به سرعت به عنوان یک باور خرافی در جامعه شکل گیرند. اما واقعیت این است ، ریشه خرافات، ترس از آینده و ناشناخته بودن آن توبه همین دلیل نیز خرافات به آنها اعتماد به نفس کاذبی می دهد که به این وسیله بتوانند تاثر سودمندی در آیندهشان داشته باشد. به این ترتیب استفاده از خُرافات نه تنها زندگی شخصی افراد در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است، بلکه بسیاری از افراد زندگی و فعالیت های شغلی شان را نیز براساس نظر فال گیران، ر ۔ .. ۔ کی جار ہے۔ ان کی اسی اسی اسی اسی اسی کی در کی در کی کی در سے انسان و لیے ہیں۔ رقم دقیقی از قراردادھای تجاری در سراسر جھان که باً توسل به این گونه موارد بسته یا مُنحل شُده است و همچنین کشورهایی که بیشترین گرایش به این مورد در آنهاست، در دست نیست؛ اما آنچه دارای اهمیت است، تاثیر پذیری تجارت برخی از شرکت هاُوموسسات بزرگ از خرافات و توسل جستن آنها به این موارد برای کسب سود بیشتر است. سودی که درنهایت می تواند نروت آنان را بیشتر و قدرت خرافات در کارشان را فزون ترسازد.

به شــکل VIXI مرتب شــود.این کلمه در لاتین به

معنای امن مردهام؛ است در مقابل اعداد بدشانسی اعداد شسانس هم در باورهای مختلف، متفاوتند. اما در باور چینیها، ۸خوش یمن ترین عدد است که در زبانشان هم ۸شسیه به کلمهای به معنی (ثروت)

**نماد بدیمنی** اعتقاد به «چشــم شــیطان» به هزاران سال پیش

برمی گردد و تصور می شود از سومر باستان (منطقه ای در عراق فعلی) سرچشمه گرفته باشد. این ایده که نگاه بدخواه می تواند برای فرد باعث بدبختی شود، به

خرافه ای رایج در خاورمیانه و اروپای مدیترانه تبدیل شد و رفته رفته به سراسر اقیانوس اطلس رسید.

چشم شیطان یا چشمهنظر به همراه خود بسیاری از

پ ۱۳۰۷ میلی طلسیمها و افسیونها را آورد؛ نماد این باور بیشتر به شکل یک چشم آبی است که گزاف گویی چشم بدر ا

به گویدهاش بازمی گرداند. خرافه ای که شکستن آینه را نماد بدشانسی می داند

از باور یونانیان باستان ناشی می شود که می گویند دروح افراد در آینه منعکس شده است. رومی ها پیشگویی محتاطانه می کنند که بدشانسی تا ۷ سال ادامه دارده

زیرا آنها معتقدند زندگی به دورههای ۷ ساله تقسیم میشود.این عقاید شکستن آینه را به یکی از رایج ترین

خرافات در جهان تبدیل کرده است. البته به جز جهان عرب، که در آن شکستن هر نوع شیشه ای به معنای واقعی کلمه، مفهوم شکستن طلسم را می دهد.

ادامه در صفحه ۱۱

ذرەبين

### خرافهگراییمیراثیازگذشته



از ناهنجاريهايي كهبشر قرن بيست ويكم باأن ر سیست و پیشرفته، گریبانگیر بوده وبر خلاف ظاهر متجدد و پیشرفته، اندیشه و تفکر خود را در چندهزار سال قبل جای گذاشته است، معضل خرافه پرستی و تبعات ناشی از آن است. خرافه پرستی و گرایش به آن عمری به

درازای تاریخ بشر دارد. با خلقت انســان و تــلاش او برای رس به حست است و جرای رستیدن به هدفهایی که این موجود برتر، برای خود ترسیم کردهبود، رگههاوریشههای خرافات نیز در زندگی انسان نمایان شد. زمانی که پیامبران از ملتهای خویش ســوال می کردند که چــرا بیراهه رفته و ریس سسوس سی تربیده به چسرا بیراهه رفته و گرفتار موهوم پرسستی و خرافه گرایی شسدهاند؟ پاسخی که از ملت و قوم خود می شنیدند این بود که پدران خودرابر هُمین راه وروش یافته واز آنان پيروي مي کنيم.

حقیقت خرافه پرستی نسل به نسل از پدران به فرزندان به ارث رسیده و مسیر تکامل خود را طی کرده است. از چین و هند باستان گرفته تا ن های مترقی و در خشان حوزه «میان رودان» و خاورمیانه-که مهد تمدن و قلب تینده دنیای و صور میبات کی در است از و ساکسون و نورمان آن روز بودند – و اقوام استان و ساکسون و نورمان ه وندال و ... – که هسته ملل اروپایی را تشکیل .. - كهُ هُسُــته مللُ اُروپايي رَا تَشُ دادند–واقوام بربر ســاکن شــمال آفریقا و تمدر: اینکاها در آمریکای جنوبی آن روز، همه گرفتار گرایشهای موهوم گرایانه و خرافات بودهاند. گاه ئسَـــتره این خُرافَات تَا اندازُهای بوده اسَت که در بناســـک و اعمال عبادی خود، انسانها را در پای

بتان قربانی کرده و بدینگونه بـه خدایـان خـود تقرب میجستند. گرفتاری در دام خرافه گرایی نیز اختصاصی به ملتها و اقوام وحشی ِ نیمهوحشــی نداشـــته و عمانگونه که ساکسونهای وحشى و اسلاوهاى به دور از باشد.پسباید تُمدن گرُفتار برُخي از اعمالُ بابل و ایران باستان با همه مفاخرش نيسز گرفتار خرافه

كه خُوداز نظر رواني،ر يشه در جهُلُ و ترسُّدارد."پس هراعتقادو تفکری هر چند باطل رانمي توان خرافه تلقي کرد،مگر زمان*ی ک*هوهمیبود وحدودو ثغور آن معرفتی پیداکرد تابا آگاهی کامل درخصوص آناظهارنظر كرد

حَاضُر نَیز با وجود پیشُرفت در علم و تکنولوژی و آگاهی و روشنفکری که تجدد برای بشر به ارمغان آورده است، شاهد گرایش به خرافات میان ملل مختلف هستیم. مسالهای که چالشهای فراوانی را برای دنیای به ظاهر متمدن و پیشــرفته آمروز رقم زدمواین سوال را در اذهان ایجاد کرده است که چرا با پیشرفت علم و فناوری، هنوز جامعه جهانی کموبیش گرفتار خرافات وموهوم گرایی است؟ از آنجایی که انسان طبیعتا موجودی کمالگرا

و در جستوجوی نیروی بر تر و مافوق است، میل به معنویت و عالم ماوراء در فطر تش نهاده شــده و هر انسانی به کنکاش در متافیزیک و عالم ماوراء علاقه ذاتي دارد بديهي است كيه اين گرايش و حب کمال، انسان را برای به دست آور دن کمالات نفسانی و وصول به بهترین ها به حرکت در آورده و انسان را به تکاپو وادار می سازد. هدف از مبعوث شدن پیامبران و اولیای الهی نیز جهتدهی صحیح بـه این حس کمال خواهـی و هدایت انسان هادر مسیر عبودیت و رسیدن به قدرت بر تر یعنی خداوندمتعال بودهاست امااز آنجایی کهبشر همیشه در مسیر انبیاو اولیای الهی گام بر نداشته و گاهی اوقات از مُسیر صُحیح منحرف شُده، حسُ رسیدن به کمال او نیز منحرف شیده و تلاش و رسیس به مهان و بیر معصوب کنگاش اونیز ره به جایی نبرده است. نتیجه این که انسان در دام خرافات و موهوم گرایی گرفتار شده و

> و ثمروت را فراهم ہ۔۔ گرایــش ریسش به خرافهپرستی میان تمامی سطوح جامعه دیده میشد، دیده میشود؛ به گونهای که نمی توان ر حدی صحیون حدو مرز مشخصی برای خرافهپرستی درنظر گرفت علت درنظر ترفیب عیب ایبن امر در نداشتن شناخت صحیح و " واقعــی از خرافــه موهومگرایی اســن کُـه گاهــی اوقــات امــوری غیرخرافی ر

به این طریق سعی در ارضای غریزه پرسشگر خود . کرده است. با گسترش خرافات در جوامع انسانی و سرایت آن به همه جنبه های زندگی، خرافه گرایی بازار پر رونقی برای سودجویان و فرصتطلبان ایجاد کرددفور صحاطایان برای پیشر برداهداف خود و رسیدن به آمال و مطامع شخصی از طرفی بانگاه داشتن مردم در جهل و نادانی و از طرفی دیگر با ترویج فرهنگ خرافه گرایسی زمینه حضور بلندمسدت خود در صحنه قدرت

نیز موهوم دانسته آنــان را خرافات تلقی

أموزشهای صحیح و آشناسازی نسل نو تاريخ، اقدامات لازم را

نه ســهم بســز شکل گیری شخ في زندان دارند، نبايد از کے پیدایے شرخی صفات و ویژگی ها ننىلى كە عُاملى براى م تفع مے شبود امید . ک که خانوادهها، ــوزش و پــرورش و ہے۔ ذیربط کے متولی امر فرهنگ هستند با ر۔ بنایت به اهمیت این ناهنجاری در راستای

ــتین کانون آموزش

# گزارش از رواج خرافه در جغرافیای گوناگون

طرح نو اراضیه زرگری خرافه و خرافه پرستی به تصور بسیاری فقط در فرهنگ شرقی وجود دارد و مربوط به کشورهای آسیایی و آفریقایی است که به سورتی استیالی کهن دارند اما از شرقی ترین وفور افسانه های کهن دارند اما از شرقی ترین ملت هــا تــا غربی ترین کشــورها (کــه امروز بــه کشــورهای صنعتــی و پیشــرفته معروف شدهاند) هنوز ریشــههای خرافات و باورهای بی پایه و اســاُس به چشــم می خــورد. میل به خرافه از توســل بــه غیر خدا تــا گرایشهایی کــه عــادات و عقایــد غیرعقلاتــی را در بــر می گیرد، وسـعت دارد. در این مجال، به برخی از بارز ترین و شـایع ترین مـوارد خرافی مثل تقديس و تكريم اشياء وعادات وعقايد خرافي هدیس و دخریم اسیاء وعادات و عقاید خراهی و باطل غرب و شرق اشاره شده است. باورهای خرافی در فرهنگهای مختلف معانی متفاوتی دارند بهعنـــوان نمونه.اعــداد در هر فرهنگ، نماد خوش شانسی یا بدشانسی تلقی می شود. برخی از باورهای خرافی مثل چشــم شــیطان یابه قول ما ایرانیها چشــم نظر یا چشم زخم، در اغلب کشورها وجود دارد: اما برخی عقاید ىخصوص بە كشور و فرھنگى خاص اس

**اعدادنحس و شانس** سیزدهم، پدر خرافات غربی هاس جمعی یا به عَبار تی فوبیــاُی عمومی بین ۲۱ میلیون آمریکایی محســوب میشــود؛ آنها روز جمعهای که

خرافه پرستى از شرق دور تااروپاي متمدن



بهویژه کشورهای اسپانیایی زبان و یونان بد یمن تلقی یشود؛زیراقسطنطنیه در اعداد بدشانسد بالیک رایجُ درباره ریشـههای این باور خراَفی نشان می دهد که این هراس ترکیبـی از دو خرافه اسـت؛ عدد ۱۳ ای ترسود بردشانسی در باورهای خرافی کم نیستند، در چند کشور آسیایی از جمله چین، ژاپن و کره، عدد ۴ ت بین مورس و نیجیی را نو حرب است. از سالها دور نماد شـومی و بدبختی عنوان شـده است. روز جمعه در قصههای کانتربری چاسـر، روز تیره بختی توصیف شـده آن جا که می گویـد: او در به ایستر، سیبیی ارجمه چین، راین و تره، علد ۱ نهایت بدشانسی است. در زبانهای چینی و ژاپنی برای کلمه ۱چهار، صدایی شبیه بـ ۵ کلمه امرگ، وجود دارد. در ایتالیا ۱۷ عدد بدشانسی است. در ارقام ەبدىختىھاناز ّل شــ روز جمعه همه بدبعسی ۱۰۰۰ رســــ که سیز دهم ماه باشد هم در برخی فرهنگهای غربی رومی، ۱۷ به شکل XVIIنوشته می شود که می تواند